



به «شعار» رأی بدهیم یا به «برنامه»؟

سردبیر گرامی و اعضای محترم هیأت تحریریه ماهنامه گزارش:

بزودی انتخابات ریاست جمهوری در کشورمان برگزار می‌شود و لذا تمام گروه‌های وابسته به دولت شدیداً در حال فعالیت هستند تا فرد منتخب گروه خود را به عنوان شایسته‌ترین کاندیدای احراز پست ریاست جمهوری به مردم معرفی کنند. انجمن‌ها، جمعیت‌ها و گروه‌های مختلف با تأیید یا رد صلاحیت کاندیدها، بازار انتخابات را گرم می‌کنند و افکار عمومی را به سمتی سوق می‌دهند که واقعیت‌ها تحت الشعاع شعارها قرار می‌گیرد. البته شاید نتوان بر کار این گروه‌ها ایراد گرفت، زیرا هدف این جمعیت‌ها بیشتر داغ کردن مسابقه انتخاباتی است؛ ولی متأسفانه عده‌ای از نمایندگان مجلس که منتخب مردم هستند بدون هیچ‌گونه تفکری دنباله‌روی این دسته‌ها شده‌اند.

برخی نمایندگان مجلس دائم در حال تأیید یا رد یک فرد هستند و به این موضوع توجه ندارند که آیا شخص مورد تأییدشان می‌تواند سه مشکل حاد کشور را که جامعه را به ستوه آورده است، حل کند یا خیر؟ هم اکنون در کشورمان یافتن کار، امکان ازدواج و تهیه مسکن به صورت عمده‌ترین معضلات درآمده است و برای رفع آنها باید کشور دارای یک مغز متفکر باشد تا تمامی نیروها و امکانات اجتماع را به نحو احسن بسیج کند و ریشه این مشکلات را بسوزاند. آیا نمایندگان ما مغز متفکر کشور را پیدا کرده‌اند یا فقط برای رفع تکلیف افراد را تأیید یا رد می‌کنند؟

در موقعیت کنونی معضل اصلی کشور بیکاری است که اکثر جوانان با آن دست به گریبان هستند. وضع به صورتی درآمده که دیگر مدرک دانشگاهی هم

را مشخص کنند، و برای حل آنها راه چاره نشان دهند. اما ما اکنون شاهد کلی‌گویی‌های کاندیدها و طرفدارانشان هستیم. متأسفانه بعضی وقتها همین کلی‌گویی‌ها هم تبدیل به شعارهای تکراری می‌شود. واقعاً می‌توان به کلی‌گویی و شعار رأی داد؟ یا باید آگاهانه و از روی اندیشه و تعقل به کسی رأی داد که بهترین و عملی‌ترین برنامه‌ها را برای حل معضلات کشور (که من به چند نمونه آن اشاره کردم) به مردم ارائه می‌کند و تضمینی هم برای انجام تعهداتش در صورت انتخاب شدن می‌دهد؟

باتشکر فراوان

اهواز-مجید بابادی

سردبیری- به نظر می‌رسد انتخابات آتی ریاست جمهوری که حدود یک ماه پس از انتشار این شماره ماهنامه انجام خواهد شد از بسیاری جنبه‌ها با انتخابات دوره‌های پیشین تفاوت‌هایی دارد. یکی از تفاوت‌ها این است که برخلاف برداشت این خواننده محترم تنها گروه‌های وابسته به دولت نیستند که می‌کوشند بازار انتخابات را گرم کنند، بلکه گروه‌های سیاسی دیگری هم به کاروان انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری ایران پیوسته‌اند که برخی شخصیت‌های سیاسی قدیمی نظیر آقایان مهندس سبحانی- دکتر یزدی- دکتر پیمان و حشمت‌الله طبرزدی از آن جمله‌اند.

از فحواي نوشته شما برمی‌آید بر این باورید که فعالیت‌های انتخاباتی حول اقدامات گروه‌های ویژه‌ای که به طریقی با حاکمیت در ارتباطند متمرکز است و گروه‌های مزبور فقط در این اندیشه‌اند که کاندیدای مورد حمایت جناح خود را به پیروزی برسانند. فعلاً ظواهر نشان می‌دهد گروه‌های دیگری غیر از روحانیت مبارز- روحانیون مبارز- کارگزاران سازندگی- جمعیت دفاع از ارزش‌ها- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و گروه‌های فرعی وابسته به آنها نیز اهتمام جدی دارند که در انتخابات ریاست جمهوری مشارکت کنند. البته هنوز نمی‌توان در میزان تأثیرگذاری این گروه‌ها بر انتخابات ریاست جمهوری اظهار نظر کرد و باید منتظر ماند تا نتیجه اقدامات شورای نگهبان در مورد تأیید یا رد صلاحیت کاندیداهای جناح‌های خارج از دایره قدرت مشخص شود، زیرا اگر صلاحیت یک یا چند نفر از این گروه مورد تأیید قرار گیرد و آنها بتوانند به عنوان کاندیدا وارد میدان مبارزه شوند، ما بی‌تردید شاهد

نقطه عطفی در فضای سیاسی کشور خواهیم بود. این نقطه عطف می‌تواند مبین آن باشد که «قاعدهٔ تکرر و تنوع آراء و افکار در امور سیاسی به عنوان یک اصل

ارزش خود را از دست داده و نازکیها شرکتها برای استخدام فقط خواهان افرادی هستند که از دانشگاه‌های معتبر کشور مدرک گرفته‌اند. فرض می‌گیریم که جوانان بدون برخورد با مشکل‌های آنچنانی سرعاً به کار گماشته می‌شوند (فرض تقریباً محال) در این حالت هم معضل امنیت شغلی فکر جوانان را راحت نمی‌گذارد. آخر جوانی که امنیت شغلی ندارد، چگونه می‌تواند برای آینده خود برنامه‌ریزی کند؟ به چه امید می‌تواند در صدد ازدواج برآید؟ با چه شوقی تشکیل زندگی دهد در حالیکه نمی‌داند آیا فردا بر سر کارش هست یا خیر؟ آیا رئیس جمهور آینده خیلی گذرا به سن ازدواج جوانان توجه کرده است؟ آیا کاندیداهای احراز سمت ریاست جمهوری می‌دانند که اکثر به اصطلاح پیر پسران و پیر دختران از روی ناچاری تن به ازدواج می‌دهند زیرا دیگر فرصتی برای تأمل ندارند.

مشکل کار و ازدواج در حال گسترش است ولی نماینده مجلس ما هنوز در فکر این است که به کی رأی دهد؟ از معضل مسکن بنویسیم که آنهاست که بیش از بیست سال سابقه کار دارند در این وادی حیران مانده‌اند. مشکلات تهیه مسکن (اعم از خرید یا اجاره و رهن) کماکان لاینحل مانده است و اغراق نیست اگر بنویسیم که متأسفانه بعد از گذشت نزدیک به دو دهه از پیروزی انقلاب، یکی از بی‌نظم‌ترین قوانین ما، قوانین مربوط به مسکن است که تکلیف هیچ‌کس را در هیچ موردی مشخص نمی‌کند.

در هر حال انتخابات ریاست جمهوری باید فرصتی ایجاد کند تا کاندیدها با بحث و بررسی پیرامون اوضاع جاری، نقاط ضعف و قوت امور کشور

ضروری در فضای سیاسی کشور» را که در قانون اساسی هم مورد تأیید و تأکید قرار گرفته- پذیرا شده‌ایم.

در مورد آن دسته گروه‌های سیاسی که از دیدگاه صاحب‌نظران و افراد علاقمند در دایره قدرت قرار دارند، منتهی فاصله نزدیکی و دوری جایگاه آنان نسبت به مرکز این دایره متفاوت است، نیز باید یادآور شویم این گروه‌ها هم در برخی موارد (بسرخلاف گذشته) دارای بینش‌های متفاوت و باورهای کاملاً متضاد در زمینه بعضی از مهم‌ترین امور سیاسی- اقتصادی و اجتماعی هستند. مطالعه دقیق بیانیه‌های این گروه‌ها که در نشریات ارگانهای آنها به چاپ می‌رسد مبین و مؤید این نظریه است.

این گروه‌ها اکنون با صراحت مواضع و عملکرد یکدیگر را مورد نقد قرار می‌دهند که از نظر ما تحولی مثبت محسوب می‌شود. از خلال این نقد و بررسی‌ها بسیار حقایق آشکار می‌شود که با مرور در آنها می‌توان به تقریب حدس زد که در صورت پیروزی کاندیدای مورد حمایت آنها، اوضاع کشور به کدام سمت حرکت خواهد کرد؟ اما در این نکته که کاندیدها غالباً به جای ارائه برنامه به کلی گوئی و دادن شعار بسنده می‌کنند یا شما هم عقیده‌ایم؛ مثلاً یکی از کاندیدها اعلام می‌کند «رفع موانع تولید مشکل بیکاری جوانان را حل خواهد کرد» اما نمی‌گوید ریشه مشکلات تولید در چه اموری نهفته است و چگونه باید آنها را از بین برد. لازم است بلافاصله بیفزاییم در اکثر این بررسی‌ها و تحلیل‌ها فقط اشتباهات و یا خلاف‌اندیشی‌های گروه مقابل به یاد انتقاد گرفته می‌شود و در آنها از این موضوع که اگر همین نقدکنندگان، خود زمام امور اجرایی کشور را در دست گیرند، برای اصلاح کمبودها و اشتباهات چه خواهند کرد؟ اثری دیده نمی‌شود. یعنی در واقع از ارائه برنامه خبری نیست. مثلاً ما تا این زمان ندیده‌ایم جناح‌های مزبور برای حل مشکل بیکاری- عجز جوانان از ازدواج و کمبود و گرانسی مسکن برنامه‌ای جامع، ملموس و قابل بررسی ارائه کرده باشند. و این همان نکته‌ای است که شما به درستی به آن اشاره کرده‌اید و مورد ایراد همه کسانی است که مایلند با آگاهی و ادراک کامل به «برنامه» رأی بدهند نه به افرادی که پشت سایه شعارهای کلی، مبهم و گاهی تردیدبرانگیز حرکت می‌کنند. (البته دایره ابهامات بسیار وسیع‌تر است. مثلاً خیلی‌ها مایلند در مورد روند فعالیت‌های سیاسی- اقتصادی- فرهنگی و اجتماعی در سال‌های آتی نیز اطلاعات جامعی از گروه‌های سیاسی فعال در صحنه انتخابات دریافت

کنند)

این خلاء و بی‌توجهی را رسانه‌های گروهی، و از جمله مطبوعات می‌توانند تا حد زیادی جبران کنند.

رسانه‌ها می‌توانند با انجام مصاحبه‌های اختصاصی و طرح پرسش‌های گوناگون اندیشه‌ها، برنامه‌ها و حتی میزان توانمندی کاندیدها را برای رأی دهندگان شفاف کنند. اما متأسفانه همچنانکه ملاحظه می‌شود اغلب رسانه‌ها و وظیفه خود را در انعکاس متن سخنرانی‌ها و یا بیانیه‌های کاندیدها و طرفدارانشان خلاصه می‌بینند. ما معتقد به اجرای برنامه‌های انتخاباتی نظیر آنچه در غرب رایج است، نیستیم. اما همچون بسیاری از هم‌میهنان عاقبت‌نگر خود معتقدیم انتخاب اصلح در روند انتخابات ریاست جمهوری- نمایندگان مجلس... منوط به این شرط است که رسانه‌ها کاندیدها را تشویق به ارائه برنامه‌ها و بیان صریح عقاید و مواضع خود کنند، و این امر هم ممکن نیست مگر آنکه مطبوعات کاندیدها را باصطلاحاً به حرف بگیرند و از زیر زبانشان بکشند که چه اندیشه‌هایی در سر و چه میزان تعهد و تخصص و کاردانی در چنته دارند.

«گزارش» براساس این باور و علی‌رغم امکانات محدود خود کوشیده است در چنین راهی گام نهد. حاصل این کوشش را جناب‌عالی و سایر خوانندگان در صفحات آتی «ماهنامه» ملاحظه می‌فرمائید.

شما خواهید دید طرح پرسش‌هایی مستقل و بی‌غرضانه- و در عین حال تخصصی- از سوی ماهنامه چگونه موجب شده است گروهی از نامزدهای شرکت در انتخاب ریاست جمهوری به بیان عقاید- باورها و اعلام برنامه‌های خود برای حل معضلات کشور تشویق شوند. وقتی ماهنامه‌ای چون «گزارش» با امکانات بسیار محدود خود بتواند نامزدها را چنین به حرف بکشد، خود به خود می‌توان میزان توفیق مطبوعات توانمند و دارای امکانات در چنین زمینه‌ای را حدس زد.

اما ایراد شما به عملکرد گروهی از نمایندگان مجلس در جریانات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری ایراد به یک امر فرعی است. این نمایندگان وابسته به یکی از جریان‌های سیاسی هستند و عملکردشان نیز ناشی از سیاست کلی همان جریان است. وقتی یک جریان در سایه نقدهای کلی، و ارائه برنامه‌های کلی‌تر حرکت می‌کند، نمی‌توان انتظار داشت شخصیت‌های وابسته به آن روش دیگری داشته باشند.

متأسفانه گاهی دیده‌ایم برخی از شخصیت‌های درجه اول این گروه‌ها امروز مطلبی را بر زبان

آورده‌اند و فردا آن را تعدیل، و یا حتی اصلاح کرده‌اند. مثلاً در یک مورد شاهد بوده‌ایم یکی از کاندیدها، که موقعیت ممتازی هم دارد، سیاست‌های اقتصادی دولت آقای هاشمی رفسنجانی را نفی، و غیرقابل ادامه دانسته است، اما فردا در یک سخنرانی دیگری اعلام کرده که ادامه این سیاستها اجتناب‌ناپذیر، بلکه لازم هم هست!

بهر تقدیر، تا این زمان تحولات مثبتی در روند انتخابات ریاست جمهوری مشاهده شده است. جناح‌های مختلف سخنان متفاوتی ایراد می‌کنند، و نظریات گوناگونی ارائه می‌دهند. برخی برخوردهای ناخوشایند را هم که جنبه تخریب شخصیت داشته شاهد بوده‌ایم که با معیارهای اخلاقی و اعتقادی ملت ما همخوانی ندارد. از طرفی همه روزه می‌خوانیم که از عدم رعایت بی‌طرفی در صدا و سیما و دیگر ارگانهایی که در انتخابات نقشی تعیین‌کننده دارند شکایاتی مطرح می‌شود؛ در حالیکه همین ارگانها هستند که باید به کاندیدها فرصتهای یکسانی برای ارائه برنامه‌های خود و راه‌حل‌هایی که اجرای آنها را برای اصلاح امور کشور ضروری می‌دانند، بدهند.

واقعیت امر این است که نه شرایط اجازه می‌دهد، و نه به صلاح کشور است که انتخابات ریاست جمهوری در یک فضای مبهم برگزار شود و رئیس جمهوری که قرار است در چهار سال (و یا هشت سال) آینده زمام امور اجرایی کشور را به دست گیرد با آرای تکلیفی (تکلیف شرعی) برگزیده شود. چنین رئیس جمهوری بی‌تردید از حمایت کمتری نسبت به رئیس جمهوری که مردم با آگاهی به طرز تفکر و ریز برنامه‌های وی به او رأی داده‌اند، برخوردار خواهد بود.

اعتقاد کارشناسان علاقمند و متعهد این است که کاندیدها نه تنها باید برنامه‌های خود را شفاف و خالی از هر کلی‌گوئی و ابهامی ارائه کنند، بلکه حتی باید اسامی همکاران اصلی خود را با ذکر سوابق ایشان در معرض قضاوت عمومی قرار دهند تا آرائی که به صندوقها ریخته می‌شود، آرائی سنجیده که رأی دهندگان را به حمایت از برنامه‌های رئیس جمهور منتخب خود ملزم می‌کند، باشد.

از طرفی امیدواریم در مراحل گزینش و تأیید صلاحیت کاندیدهای ریاست جمهوری، شاهد اعمال سلیقه‌های شخصی و یا گروهی نباشیم و همه کسانی که طبق قانون اساسی صلاحیت کاندید شدن و حضور در صحنه انتخابات را دارند، بتوانند از حقی که قانون اساسی برای ایشان قائل شده است، برخوردار شوند. □